

آسیب های تک فرزندی



فرزندآوری در سراسر تاریخ از کارکردهای مهم خانواده بوده است. ترغیب خانواده‌ها به داشتن یک فرزند سبب شده تا والدین با شعار دو فرزند کافی است در عمل به یک فرزند اکتفا کنند. تک فرزندی گرچه پدیده جدیدی نیست اما در جامعه‌ی ما در هیچ زمانی مانند الان فراگیر نبوده است. در میان آموزه‌های اسلامی نه تنها به تک فرزندی توصیه نشده بلکه ضمن مخالفت با آن با رعایت شرایطی دعوت به ازدواج شده است. بگونه‌ای که در قرآن کریم تکثیر نسل به عنوان یکی از مهمترین اهداف ازدواج معرفی شده است.

برخی از آسیب‌های تک فرزندی با رویکرد روان‌شناسی و علوم تربیتی عبارتند از:

۱- رواج فرزندسالاری

در خانواده‌های تک فرزندی، بیش از حد به خواسته‌ها و مطالبات فرزند توجه شده و اغلب افراط و زیاده روی والدین در برآوردن خواسته‌های تنها فرزندشان مشاهده می‌شود. هرچند این خواسته‌ها غیر منطقی، بلندپروازانه و فراتر از توان و بنیه مالی خانواده و یا حتی بیرون از مرزها و حدود قانونی و شرعی باشد.

این توجه بیش از حد والدین و قرار دادن فرزند در کانون توجهات اثرات سوئی بر شخصیت کودک دارد. اینگونه کودکان غالباً حساس، زودرنج، پرتوقع و کم صبر هستند و نمی‌توانند عواقب اشتباهات خود را آزموده و مسئولیت عمل خود را بپذیرند. این کودکان از جامعه پیرامون‌شان انتظار دارند همانند والدین با آن‌ها رفتار کرده و چتر حمایتی خود را بر سر آنان بگسترانند.

فرزند سالاری مانع شکل گیری شخصیت فعال فرزند می‌شود. شخصیت فعال شخصیتی است که براساس آن، فرد نسبت به نگرش و رفتار خود هوشیار است، به راحتی تصمیم گرفته، کار خود را با اعتماد به نفس به پیش برده و آن را به اتمام نیز می‌رساند و کمتر دچار تردید می‌شود.

تک فرزندها کمتر با مشکلات مواجه شده زیرا در معرض تجربه کردن شکست، ناکامی، رانده شدن و .. قرار نمی‌گیرند و شرایطی را که لازمه بلوغ روحی و روانی است تجربه نمی‌کنند. در بسیاری از اوقات از آنجا که دنیای واقعی کاملاً مطابق میل و خواسته این کودکان و پاسخگوی توقعاتشان نیست، دچار سرخوردگی و ناسازگاری می‌شوند.



۲- بلوغ زودرس

فرزند در دوره اولیه کودکی بیشتر نیازمند حضور والدین خود است. ولی در دومین دوره کودکی اش نقش همسالان بارزتر می شود و مهارت های زیادی را از آنان می آموزد. وجود خواهر یا برادر بزرگ تر نیز می تواند مهارت های لازم برای اجتماعی شدن او را فراهم کند. حال اگر فرزند تک باشد به ناچار باید در کنار بزرگسالان پرورش یابد. در نتیجه او تجربه ای از کودکی و نوجوانی خود نداشته و با بازی ها، کارها و نقش های این گروه سنی آشنا نیست و یک دفعه پرشی به دوران مسئولیت پذیری بزرگسالان خواهد داشت. به همین دلیل از لحاظ روحی و روانی بسیار سریعتر رشد کرده و دنیا را از دید بزرگسالان می بیند. حضور در چنین خانواده ای که فقط شامل افراد بالغ است سبب بلوغ زودرس کودک می شود. از عوارض بلوغ زودرس این است که کودکان در مقابل استرس های زمان جوانی قرار گرفته ولی از دانش مقابله با آن بی اطلاع هستند، آنها از نظر جسمی نشانه های بلوغ را دارند؛ ولی تجربه کافی ندارند. در این شرایط در هر دو جنس، به دلیل افزایش تمایل به شهوت، رفتارهای ناهنجار همچون خودارضایی در آنان بروز می نماید.



۳- کم شدن روابط اجتماعی و عدم جامعه پذیری

فضای زندگی خانوادگی توأم با فرصت های کافی برای روابط متقابل و متنوع بوده، برای فرزندان الگوهای رفتاری و زمینه های تبادل تجارب و تمایلات و عواطف را به وجود می آورد و از عوامل موثر در بهبود مهارت در روابط اجتماعی است. اما در خانواده های هسته ای و محدود و با فرزندان کم و به خصوص تک فرزند، برخورداری از فضای زندگی خانوادگی ممکن نیست. زندگی در کنار برادر یا خواهر روحیه جامعه گرایانه کودک را تقویت کرده و مدیریت در روابط اجتماعی را به وی می آموزد. هم دلی و هم سویی با افراد خانواده، عشق ورزی و سهولت در برقراری ارتباط با افراد هم سن در جامعه و مدرسه از اصلی ترین ویژگی های فرزندان خانواده های دارای بیش از یک فرزند است. گرایش به انزوا، افسردگی، ضعف در برقراری ارتباط با همسالان، توجه بیش از حد به بازی های رایانه ای و انفرادی، ترس یا تنفر از حضور در گروه های اجتماعی از جمله خصوصیات تک فرزندهاست.

محدودیت روابط اجتماعی در خانواده های تک فرزند می تواند دنیای روانی و اجتماعی افراد را محدود جلوه دهد و در این شرایط اگر مشکلی برای فرد به وجود آید ممکن است پیامدهای تهدید کننده ای پدید آورد، زیرا فرد می ترسد با از دست دادن یک نقطه ی امید و اتکا نتواند به کانون دیگری چشم امید داشته باشد زیرا محدود بودن روابط اجتماعی فرد، جزئیات آن می تواند اشتغال ذهنی زیادی برای افراد ایجاد کند. برای مثال دیده می شود که مادر با مشاهده ی کوچکترین احتمال آسیب یا بیماری فرزندش سراسیمه و آشفته شده و هر رفتار ظاهرا غیرمعمول و غیر عادی کودک را نشانه ای از پدید آیی مشکل رفتاری و اخلاقی تلقی نماید، یا پدر با بروز کوچکترین مشکل در زندگی خانواده دچار حالت اضطراب و دستپاچگی گردد و البته توجه به جزئیات رفتاری در این گونه خانواده ها سبب درگیری های کم اهمیت در خانواده نیز می شود.



۴- کاهش انسجام خانواده

یکی از مولفه های خانواده منسجم، پیوندهای عاطفی و میزان وابستگی فرزندان به والدین و بالعکس است. به همان میزان که وابستگی متعادل ضروری و دارای مزایای فراوان است افراط و تفریط در آن دارای آسیب بوده و مشکل زاست. در خانواده های تک فرزند میزان وابستگی دارای افراط و تفریط است. به این معنا که گاهی اوقات فرزند به سبب اشتغال والدین مورد بی مهری و بی توجهی قرار می گیرد و گاهی نیز در کانون توجه بیش از حد والدین است. تعدد فرزندان می تواند سبب ایجاد هماهنگی لازم و شکل گیری وابستگی متعادل باشد.

کاهش وابستگی فرزندان به خانه و خانواده در خانواده های تک فرزند سبب احساس تنهایی عمیق، ترویج فرهنگ استقلال طلبی، افزایش میل به فرار، کم شدن قبح تک زیستی و تجرد، کاهش توجه به قداست و اهمیت تشکیل خانواده و افزایش

سن ازدواج می‌شود. در کلان شهر ها که اصولا خانواده‌ها جدا شده از شبکه خویشاوندی هستند شاهد افزایش آمار کودک آزاری، کودکان رها شده و افزایش بزه هستیم.



۵- تضعیف شبکه‌ی ارتباطی خویشاوندی

تجربه و ادراک مستقیم روابط انسانی در قالب زندگی "خانوادگی" به شکل سنتی آن، احساس ناشی از داشتن "خواهر" یا "برادر" و در شبکه روابط خویشاوندی مثل "عمو"، "عمه"، "دایی" و "خاله" شکل می‌گیرد که عامل پیوندها و ثبات عاطفی در روابط اجتماعی نخستین افراد است. سیاست تک فرزندی می‌تواند تبعات مخرب عاطفی داشته و نسل برآمده از این خانواده‌ها را به سمت انزوا و تنهایی سوق دهد.

در یک خانواده ی کامل با فرزندان بیشتر که به مثابه یک سیستم است هر نسبتی اعم از برادر خواهر عمو عمه خاله و دایی در آن حضور دارند. بر اساس تحقیقات روان شناسان رفتارهای پسری که خواهر دارد به هنجار تر از رفتارهای پسری است که خواهر ندارد. یک متخصص کودکان و روانکاو معروف انگلیسی، بر این باور است که ارتباط با خواهر و برادر نقشی مهم و اساسی در رشد و شکوفایی کودک ایفا می‌کند. این ارتباط در او میل به بازی و سرگرمی ایجاد می‌کند، این امکان را فراهم می‌سازد تا نقشهای متفاوتی را بازی کند، به او کمک می‌کند تا خلاقیت و خودجوشی اش را افزایش دهد، به او فرصت می‌دهد تا خشم و پرخاشگری اش را ابراز کند و به او می‌آموزد تا این حس را هدایت کند؛ همان چیزی که او را برای زندگی در جامعه و رویارویی با افراد آماده می‌کند.

۶- کاهش اقتدار والدین

کاهش اقتدار والدین پیامد دیگر تضعیف شبکه خویشاوندی و روابط خانوادگی است. در یک سیستم خانوادگی کامل، همگان فرزندان را به پدر و مادرشان ارجاع می دهند این کار سبب شکل گیری یک اقتدار درون شبکه ای و نهادینه شدن الگوی هرمی قدرت در خانواده به صورت غیر مستقیم در ذهن کودک می شود. ایجاد اقتدار توسط خود والدین و به دور از شبکه خویشاوندی اصولاً آسیب های بسیاری چون بروز خشونت یا دیکتاتوری والدین را به دنبال خواهد داشت. در صورتی که این اقتدار به شکل طبیعی در درون شبکه خویشاوندی شکل می گیرد. شبکه خویشاوندی در پرورش دینی و مذهبی فرزندان نیز تاثیر مستقیم دارد. الگو پذیری در کودکان امری طبیعی بوده و آنان پیوسته از رفتار اطرافیان خود اثر می پذیرند این نوع آموزش که آموزش مشاهده ای و غیر مستقیم است در تربیت کودک بسیار موثر است.



۶- جایگزینی رسانه

رسانه ها مانند دریچه ای به جهان خارج در دیدگاه ها و رفتارهای افراد مؤثر هستند؛ کم شدن ارتباطات کلامی، در خانواده های کم جمعیت، سبب حاکمیت رسانه های تصویری می گردد، این امر تغییر الگوی ارتباطی در خانواده را به همراه دارد. کودک یا نوجوانی که از تنهایی رنج می برد به دنبال جایگزینی برای اوقات فراغت خود است در نتیجه به تلویزیون، جاذبه های گرافیکی و هیجان های کاذب در بازی های رایانه ای و دنیای مجازی رو می آورد.

تلویزیون:

تحقیقات درباره ی رشد شناختی نشان می دهد که تعامل اجتماعی، محرک بسیار مهمی در تکامل رشد است. کودکان مدت زمان زیادی را صرف تماشای تلویزیون می کنند و فرصت کمتری برای دیگر فعالیت های فیزیکی و تعامل با هم سالان دارند. این امر تعامل اجتماعی را کاهش داده و می تواند تاثیر منفی بر رشد شناختی داشته باشد.



بازی های رایانه ای:

وابستگی، پرخاشگری، القای ارزش های فرهنگی ناهمخوان و پیامدهای جسمانی اعم از چاقی، دردهای مفصلی، درد میچ، گردن و پیامدهای روانی و آسیب رشته های عصبی پیرامونی اعم از شب ادراری و توهم حداقل آسیب های بیان شده برای بازی های رایانه ای هستند که امروزه بیشترین اوقات کودکان تنها را پر می سازد.



اینترنت و ماهواره:

یکی از عوارض اینترنت، اعتیاد به آن است. کاهش رضایت از زندگی و احساس محرومیت در افراد - که از طریق مقایسه ی وضع خود با دیگران به وجود می آید- از آسیب های این فضای مجازی و برنامه های ماهواره است. علاوه بر این ها افزایش انتظارات، تشدید روحیه ی مصرف گرایی، ارائه سبک زندگی، تضعیف پابندی مذهبی، تسریع روند یکسان سازی فرهنگ ها از دیگر مضراتی است که می توان به آن اشاره کرد.

مطابق با تحقیقات انجام شده افرادی که به استفاده از شبکه های اجتماعی اینترنت گرایش بیشتری دارند مشکلاتی از قبیل کاهش سلامت روان، کاهش روابط اجتماعی، غفلت در انجام دادن مسئولیت های مربوط به خانواده، شغل و تحصیلات را گزارش کرده اند.

منابع

بیابانگرد، اسماعیل، (۱۳۸۷)، فرزند من و رسانه، مرکز امور زنان و خانواده

تاجیک اسماعیلی، عزیزالله، (۱۳۷۵)، فرزند کمتر یا بیشتر، پیوند، شماره ۲۰۱ و ۲۰۲ و ۲۰۳

حق شناس، جعفر، (۱۳۸۸)، آسیب شناسی خانواده

خانواده ی پویا، (۱۳۸۶)، موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی

رسانه های جمعی و مشکلات خانوادگی، فروردین واردی بهشت ۸۸، شماره ۲۵۴ و ۲۵۵

رحمتی شهرضا، محمد، (۱۳۹۱)، بررسی ازدیاد یا کنترل جمعیت، انتشارات فاتح خیبر

سادات، محمد علی، (۱۳۷۵)، رفتار والدین با فرزندان، انتشارات انجمن اولیاء و مربیان